

آزادید که مسلمانان در سوره که خدای تعالی که گفته و آید و بر او از زود
در چنین هوای گرم سلاج برداشته بقول گفتا روز و عبد الله در سب
طعام همیشه ساخته با زمان خوب و وی معاشرت کنانین معا ملا از انصاف
دورات و الله که تا بگذشت رسول صلی الله علیه و سلم مشرف شویم پنج
یک این زمان سخن گویم باز گشت و برشته خردنشت و برآه در آمد
هر چند زمان وی با وی سخن گفتند جواب نداد چون نیز یک تبوک رسید
رسول صلی الله علیه و سلم خبر دادند که شتر سواری از دوری نماید که بانی
جانب شتر جاست رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که امید می دارم که آن
ابو خنیفه باشد چون نزدیک رسید گفتند که والله ابو خنیفه است چون پیش
رسول صلی الله علیه و سلم آمد و سلام گفت رسول صلی الله علیه و سلم بعد از
جواب فرمود که اولی که یا ابو خنیفه یعنی نبیقت و ناز فانی بر و اخاف
و آزاد رضای سخن بجان در با فتنی تر از این نیست **و از اینجاست**
که ابویانیه رضی الله عنه گفته است که چون رسول صلی الله علیه و سلم در سفر
تبوک بودی القری رسید از بخاری بود و خلقتی داشت اصحاب
فرمود که خرمای خلقتی و برآه برید چون بریدند خرمای آن ده
وسق بیرون آمد و آن زن را فرمود که تفریز بعد از این حساب آزا
نگاه می داد که چند خرمای بیرون می آید چون حاجت فرمود سوال کرد که
بعد از آن خرمای خلقتی ن توجه آمد گفت ده وسق همان مقدار که
رسول صلی الله علیه و سلم و اصحاب وی بریده بودند **و از اینجاست**

که چون از

King Saud University

که چون از وادی القری بجانب تبوک روان شد فرمود که امشب بادی
سخت خواهد آمد باید که هیچ کس از جای خود برنگردد و قتران خود را
تکلم بر بلند دران شب بادی سخت آید و دران شب دو در بگفته
بودند ایشان را با بید و بگو بهایی که از ایجاد و بر بود انداخت
و از اینجاست که ابو ذر غفاری رضی الله عنه گفته است که چون
رسول صلی الله علیه و سلم بجانب تبوک توجه نمود اشترم ضعیف و لا غیر
بود که تم چند روز آنرا از آمدیم و در عقب رسول صلی الله علیه و سلم
بروم چند روز آن شتر را علف دادیم بعد از آن روان شدیم چون
یکی از منازل رسیدم اشترم چون که زد و دیگر از جای برخاست ستای که
دشتم بر پشت خویش گزتم و دران گرنای سخت راه تبوک پیش گزتم
چون مر از دور ظاهر شد بودم گفته بودند که یا رسول الله بیا و
تنها از راهی آید فرموده بود که امید می دارم که ابو ذر گفتی باشد
چون نزدیکتر آیدم گفتند که واقعه ابو ذر است چون پیش رسول
صلی الله علیه و سلم رسیدم برخاست و گفتم یا بانی ذر میشی و
ویکوت و حده و بیعت و حده یعنی راحت و فراخ عیشتی با دایم
ذره ای رود تنها و خواهد در دنیا و بر این گفته خواستند تنها و سپهان
شد که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود تنها بر بنده آمد و این کلمات یافت
این مسعود رضی الله عنه او را زده دید که صدق رسول الله صحت
مستقیم گفته است که رو خدا ابو ذر را در زنده زیارت کردم آنجا نوری